

پس از سقوط بالگرد رئیس دولت سیزدهم و شهادت ابراهیم رئیسی، بار دیگر دولت-ملت با توجه به شرایط استثنائی ایجاد شده در کشور و براساس نص قانون اساسی آماده رقابت‌های انتخاباتی شدند. پس از اعلام نتایج اولیه از سوی شورای نگهبان نام یک شخص بیش از سایر نامزد‌ها سبب ایجاد شگفتی در میان آحاد مختلف مردم، به ویژه نخبگان سیاسی فعال در داخل کشور شد. در حالی که افرادی همچون علی لاریجانی موفق به عبور از فیلترهای شورای نگهبان نشدند، این مسعود پزشکیان نماینده مردم تبریز بود که توانست با عبور از سد رد صلاحیت‌ها وارد میدان انتخابات شده و با عبور از رقبای سرسختی مانند محمد باقر قالیباف و سعید جلیلی تبدیل به رئیس دولت چهاردهم شود. وی در جریان انتخابات سه وعده اصلی به مردم داد که عبارت‌اند از: رسیدگی به موضوع فیلترینگ، از سرگیری مذاکرات اتمی با غرب و کاهش محدودیت‌های اجتماعی. نکته کلیدی آن است که در هسته مرکزی گفتمان دولت پزشکیان هرگونه راه حل اقتصادی از دل گشایش‌های دیپلماتیک در دل سیاست خارجی به دست می‌آمد. به بیان دیگر با کنار رفتن سایه تحریم‌ها زمینه لازم برای فروش نفت، ارتباطات بانکی، جذب سرمایه‌گذاری- فناوری خارجی و آزاد شدن دارایی‌های مسدود شده ایران در نقاط مختلف جهان فراهم می‌شود. پس از «جنگ ژوئن» و فعال شدن فرآیند «مکانیزم ماشه» از سوی تروئیکای اروپایی کشور در وضعیت «نه جنگ نه صلح» قرار گرفته و کمتر کارشناسی می‌تواند چشم انداز روشنی پیش‌رو وضعیت داخلی کشور تصور کند. در تاریخ معاصر ایران شاید کمتر دوره زمانی را بتوان یافت که به اندازه امروز کشور در وضعیت «ابهام»، «تعلیق» یا «ناممکن» قرار داشته باشد. در حالی که نیروهای مسلح شبانه روز سیدن به محافظت از حاکمیت ملی و مقابله با دور جدید تجاوزات رژیم صهیونیستی هستند، دستگاه دیپلماسی به صورت مستمر در حال بازیابی با بازیگران موثر منطقه‌ای و بین‌المللی تا بتواند راهی برای شکست «بن بست» موجود و ایجاد افق جدید برای کشور پیدا کند. در این میان علی لاریجانی به عنوان دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی پس از پایان سفر منطقه‌ای به عراق و لبنان، بازی‌های فشرده سیاسی با انگلیس و سایر قدرت‌های اروپایی را برای رسیدن به یک راه حل سیاسی در دست‌ورکار قرار داده است. در این میان شاید شدیدترین مسئله، فقدان زمان کافی برای رسیدن به نقطه کنترل تنش و حل آن در میان مدت است. پایتخت‌های اروپایی زخم دیده از بحران اوکراین، پس از معرکه «مستان سخت» و متهم کردن ایران به کمک پهلپادی به روسیه، تصمیم گرفتند تا نقش سازنده خود در جریان مذاکرات میان تهران- واشنگتن کنار گذاشته و آنها نیز لباس «پلیس بد» را بر تن کنند. این رویکرد در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ و حمله مستقیم اسرائیل به ایران در سال جاری به خوبی قابل مشاهده است. با این حال در دکتربین دفاعی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و انگلیس هرگونه جنگ جدید در منطقه «عرب- مد» به معنای موج جدید پانهندگام و مهاجران غیرقانونی به سمت قاره سبز خواهد بود و می‌تواند ترکیب جمعیتی این قاره را بیش از گذشته دست خوش تحولات اساسی کند.

◀ **انتخاب بین بد و بدتر**

اکنون پس از پایان دور نخست درگیری‌ها میان ایران- اسرائیل، تروئیکای اروپایی اقدام به فعال سازی مکانیسم ماشه کردند. پس از گذشت دوره ۳۰ روزه این فرآیند تمام تحریم‌های پیش از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بازگشته و ایران با وضعیت «اجماع جامعه جهانی» در برابر برنامه اتمی خود مواجه خواهد شد. البته آنها برای تعویق این فرآیند خواستار تحقق سه خواسته مشخص شدن سرنوشت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد، از سرگیری مذاکرات ایران- آمریکا و بازگشت بازرسان و رژیم نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران شدند. در چنین شرایطی دستگاه وزارت خارجه دولت پزشکیان باید میان گزینه‌های «بد» و «بدتر» دست به انتخاب برند. از یک سو تمدید این مکانیزم به معنای قبول روبه حقوقی ایجاد شده از سوی اروپایی‌ها در نظام بین‌الملل خواهد بود و از سوی دیگر دادن شانس به مجدد بین بروکسل برای نقض آفرینی در پرونده اتمی ایران ترجمان خواهد شد. در عین حال هرگونه عدم نتیجه در مذاکرات ایران با اروپا به معنای فعال شدن مکانیسم ماشه خواهد بود. در این سناریو شوک جدی به اقتصاد کشور وارد شده و دولت باید آماده مقابله با پرش‌های جدی در بازار دلار، طلا و سایر بازارها باشد. بر همین اساس تحولات دو هفته آینده را می‌توان یکی از مهم‌ترین آزمون‌های تیم سیاست خارجی و دولت پزشکیان در حل مشکلات راهبردی کشور دانست.

علی اصغر زرگر در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اسرائیل هیچ مرزی برای خود قائل نیست



سیاست بحران‌سازی تل‌آویو پایانی ندارد

آمریکا با چک سفید دست اسرائیل را باز گذاشته است

آرمان ملی - احسان اسقایی: دولت حاکم بر تل‌آویو برخلاف قوانین بین‌المللی و مانند همیشه، به بهانه حضور اعضای سیاسی حماس، به کشوری دیگر حمله کرده است. این بار قطر هدف قرار گرفت و اسرائیل با بمباران جلسه اعضای سیاسی حماس در دوحه، واکنش متحد کشورهای عربی را برانگیخت. هرچند این واکنش‌ها فاقد پاسخ نظامی بود و بازدارندگی ایجاد نکرد. اسرائیل با این اقدام می‌خواهد پیام روشنی به کشورهای اسلامی بدهد: هیچ قدرت بازدارنده‌ای در برابر او وجود ندارد.

◀ **اسرائیل به قطر رحم نکرد و مقرر حماس را هدف قرار داد.**

تل‌آویو با این اقدام چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

اسرائیل از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۸ تاکنون همواره در مسیر بحران‌سازی حرکت کرده است. تل‌آویو سیاستی تنهاجمی دارد و هر کسی که با نظام مبتنی بر اشغالگری مخالفت کرده، با سرزمینش اشغال شده یا هدف قرار گرفته است. اگر تاریخ اسرائیل را مرور کنیم، بیشتر اقداماتش در چارچوب اشغال سرزمین‌ها، ایجاد بحران و کشتار مخالفان بوده است. این رژیم تلاش دارد امنیت خود را نه در مرزهای سرزمینی‌اش، بلکه در دوردست‌ها جست‌وجو کند. به همین دلیل مرز مشخصی برای خود تعریف نکرده و هرجا احساس تهدید کند، حمله می‌کند. سیاست تنهاجمی اسرائیل از ابتدا در دستور کار بوده و حمله به قطر نیز در ادامه همان تجاوزهایی است که علیه ایران، سوریه و لبنان انجام می‌دهد. اسرائیل رسماً اعلام کرده است: هر کس با ما مخالفت کند، از بین خواهیم برد. این همان سیاستی است که دنبال می‌کنند و هیچ‌گاه از آن عقب‌نشینی نکرده‌اند.

◀ **این اقدامات در داخل اسرائیل چه تأثیری دارد؟**

هر زمان که دولت نتانیا‌هو در داخل یا بحران مواجه می‌شود، برای فرافکنی به بحران آفرینی در خارج روی می‌آورد. این اقدامات را به افکار عمومی درون اسرائیل چنین توجیه می‌کند که سیاست تنهاجمی صرفاً برای مقابله با تهدیدات بیرونی است که موجودیت اسرائیل را نشانه گرفته‌اند. همان‌گونه که حملات به غزه، لبنان، ایران و سوریه را با همین استدلال انجام داد، حمله به قطر نیز در راستای همین سیاست است تا توجیهی برای اقدامات خود در داخل به دست آورد. از نگاه اسرائیل، باید همه مخالفان مسلح خود، از جمله حماس، رانابود کنند و به کشتار دست‌بزنند. این سیاست باعث شده که حتی اگر کشورهای منطقه متحد آمریکا باشند، اسرائیل بدون نگرانی اقدام نظامی کند.

◀ **آیا اسرائیل بازوی امنیتی آمریکا است یا می‌خواهد یگانه قدرت امنیتی منطقه شود؟**

آمریکایی‌ها عملاً چک سفید به اسرائیل داده‌اند. خروج واشنگتن از نهادهای حقوق بشری سازمان ملل و نادیده گرفتن احکام بین‌المللی علیه تل‌آویو، همه نشان دهنده حمایت بی‌قید و شرط است. به همین دلیل اسرائیل نه تنها ایالت پنجاه و یکم آمریکا محسوب می‌شود، بلکه حتی امتیازات بیشتری از سایر متحدانش دریافت می‌کند. یک نظریه دیگر نیز این است که آمریکا قصد دارد اسرائیل را تقویت کند تا نقش «کدخدای منطقه» را ایفا کند و بتواند بدون دخالت مستقیم واشنگتن، در منطقه تصمیم‌گیری کند. همین راستا حتی خبرنگاری که مسائل فلسطین را دنبال



حتی اگر آن کشور متحد استراتژیک آمریکا باشد. قطر هم رابطه خوبی با آمریکا دارد. هم از توان نظامی مناسبی برخوردار است و هم نقشی جدی در مذاکرات آتش‌بس میان حماس و اسرائیل ایفا کرده است. با این حال، بمباران مقرر حماس در قطر نشان داد که حتی اتحاد استراتژیک با واشنگتن نیز مانع تعرض اسرائیل نمی‌شود. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با علی اصغر زرگر، استاد و کارشناس روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است.

باشد، چرا که پاسخ شدید آن کشور را در پی خواهد داشت. دست اسرائیل در لبنان و سوریه بازتر است و اقداماتش محدود به این مناطق شده است.

◀ **ایران چه جایگاهی در سیاست امنیتی که برای منطقه اجرای‌کنند دارد؟**

اگر ایران توان دفاعی خود را تقویت کند و حمایت نظامی روسیه و چین را دریافت کند، بعید است اسرائیل دوباره حمله مستقیمی به ایران کند. اما در صورت عدم هشجاری، اقدامات خرابکارانه و ترور علیه ایران ادامه خواهد داشت و به همین دلیل باید کشور همواره هوشیار باشد. چین نیز چندان نگران اقدامات اسرائیل در منطقه نیست، زیرا کشورهای عربی در نهایت مسأله فلسطین را به فراموشی خواهند سپرد. حملات اسرائیل بیشتر متوجه گروه‌های مقاومت مانند حماس است و نه کشورهاست. آمریکا نیز به قطر قول داده که این اقدامات دیگر تکرار نشود، مشروط بر آنکه قطر دیگر به حماس پناه ندهد.

◀ **نقش قطر در این میان چه بود که مورد هدف قرار گرفت؟**

قطر نقش میانجی میان حماس و اسرائیل داشت و تلاش می‌کرد آتش‌بس را حفظ کند. با این حال، اسرائیل تصمیم گرفت مقرر حماس را هدف قرار دهد و پیام روشنی به همه کشورها ارسال کند: حتی اگر متحد آمریکا باشید و با حماس همکاری کنید، باز هم نمی‌توانید مانع اقدامات تهاجمی اسرائیل شوید. این نشان می‌دهد که اسرائیل به هیچ بازدارنده‌ای در برابر خود احترام نمی‌گذارد و سیاست تهاجمی خود را بدون محدودیت دنبال می‌کند.

◀ **این سیاست اسرائیل چه تأثیری بر کشورهای عربی دارد؟**

کشورهای عربی عملاً به دنبال راهایی از مسأله فلسطین هستند و می‌خواهند به زندگی روزمره خود بازگردند. سکوت کامل مصر، امارات و دیگر کشورها نشان دهنده همین رویکرد است. در نتیجه اسرائیل به راحتی می‌تواند اقداماتش را ادامه دهد، چرا که کشورهای عربی علاقه‌ای به مداخله ندارند.

◀ **نگاه کلی شما به تحولات منطقه چیست؟**

اسرائیل با قدرت نظامی و حمایت آمریکا، توانسته است بر بسیاری از معادلات منطقه‌ای مسلط شود. ایران و گروه‌های مقاومت نقش بازدارنده دارند، اما اسرائیل به دنبال گسترش نفوذ و تثبیت حیطا خلوت امنیتی خود است. کشورهای منطقه نیز یاد ر سکوت هستند یا تلاش می‌کنند با واقعیت‌های موجود کنار بیایند. این روند نشان می‌دهد که منطقه با چالش‌های امنیتی پیچیده‌ای روبه‌رو است.

ابوالقاسم دلفی مطرح کرد:

باتوافق ایران و آژانس، دو شرط از سه شرط اروپا برای عدم اجرای اسنپ‌بک محقق شده است

فعال سازی اسنپ‌بک کرده است، عنوان کرد؛ ایران خواهد به‌کارگیری ابزارهای دیپلماتیک است؛ به شرط اینکه مانند دفعه قبل، وسط مذاکره با حمله آمریکا و اسرائیل روبه‌رو نشویم. بنابراین، اگر تمام طرفین حسن‌نیت خود را نشان دهند، در دو هفته باقی‌مانده، می‌توانیم بهانه‌های اروپایی‌ها برای اجرای مکانیسم ماشه را از آنان بگیریم. دلفی ادامه داد: اگرچه ما اکنون هم تحت فشار تحریم‌های یکجانبه آمریکا قرار داریم، اما در صورت فعال سازی اسنپ‌بک و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، همکاری ما با چین و روسیه نیز دچار مشکلات زیادی می‌شود و وضعیت‌مان بسیار بحرانی‌تر از امروز می‌گردد. ضمن اینکه در آن صورت، اصل حق غنی‌سازی که به موجب برجام به دست آمده بودیم را هم از دست می‌دهیم. به علاوه، فعال‌سازی مکانیسم ماشه مجدداً ما را به ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل بازمی‌گرداند و به عنوان یک تهدید بین‌المللی تلقی خواهیم شد که این موضوع خطرناک‌تر از سایر موارد است. لذا عقلا نیت حکم می‌کند که حتماً در فرصت اندک باقی‌مانده، اروپا را نسبت به عدم فعال‌سازی اسنپ‌بک متقاعد کنیم و سپس وارد مذاکرات با غرب برای حصول توافق جدید شویم. وی با بیان اینکه بعید است در این دو هفته باقی‌مانده، خواسته سوم اروپا یعنی مذاکره ایران با آمریکا محقق شود، عنوان کرد: اتفاقات چند ماه اخیر از جمله حمله اسرائیل به ایران در میانه احتمال اجرای مکانیسم ماشه را افزایش می‌دهد.

گروه‌های لبنانی و خلع سلاح حزب...!

اتحاد مصلحتی علیه مقاومت؟

در بیروت فضای سیاسی ملتهب است. کابینه لبنان، تحت فشارهای بین‌المللی، طرح ارتش برای انحصار سلاح در دست دولت را تصویب کرده، طرحی که به خلع سلاح حزب...! تعبیر می‌شود. این تصمیم، که در جلسه ۱۴ شهریور ۱۴۰۴ (۵ سپتامبر ۲۰۲۵) در کاخ بعداً با حضور ژورف عون، رئیس‌جمهور، و نواف سلام، نخست‌وزیر، اتخاذ شد، واکنش‌های شدیدی را از سوی گروه‌های شیعه برانگیخت، در حالی که جریان‌های مسیحی و سنی از آن استقبال کردند. منابع خبری مانند الجزیره و العربیه گزارش داده‌اند که این طرح، ریشه در فشارهای خارجی، به ویژه از سوی آمریکا، عربستان سعودی و فرانسه دارد، که هر یک اهداف استراتژیک خود را در منطقه دنبال می‌کنند. آمریکا، تحت دولت دونالد ترامپ، از طریق فرستاده ویژه‌اش، توماس باراک، طرحی چهارمرحله‌ای را برای خلع سلاح حزب...! تا پایان سال ۲۰۲۵ پیشنهاد داده است. این طرح، که بخشی از «چشم‌انداز ترامپ» برای بازسازی لبنان به عنوان کشوری «مرفه و باثبات» شده، شامل توقف حملات اسرائیل به لبنان در ازای خلع سلاح حزب...! و استقرار ارتش لبنان در جنوب این کشور است. وزارت خارجه آمریکا از این تصمیم حمایت کرده و آن را گامی برای تقویت حاکمیت لبنان می‌داند. عربستان سعودی نیز، که به‌طور سنتی از جریان‌های سنی لبنان مانند المستقبل حمایت می‌کند، با تأمین مالی کنفرانس‌های اقتصادی بین‌المللی، به دنبال تضعیف نفوذ ایران در لبنان است. فرانسه، با نفوذ تاریخی در میان مسیحیان مارونی و به عنوان میانجی سنتی در لبنان، از این طرح حمایت کرده و ژان نوتل، بارو، وزیر خارجه فرانسه، آن را «شجاعانه و تاریخی» خوانده است. این سه کشور، با استناد به قطعنامه‌های ۱۵۵۹ و ۱۷۰۱ شورای امنیت، که خلع سلاح گروه‌های شبه نظامی را الزامی می‌کنند، فشار دیپلماتیک و اقتصادی را برای اجرای این طرح افزایش داده‌اند.

◀ **نقش آمریکا، عربستان و فرانسه**

آمریکا، تحت دولت دونالد ترامپ، خلع سلاح حزب...! را به عنوان بخشی از استراتژی گسترده‌تر خود برای کاهش نفوذ ایران در خاورمیانه دنبال می‌کند. به گزارش روتنبر، طرح چهارمرحله‌ای آمریکا شامل خلع سلاح کامل حزب...! تا پایان ۲۰۲۵، استقرار ارتش لبنان در جنوب، و توقف حملات طریق نظامی، بلکه با فشار اقتصادی و سیاسی اجرا خواهد شد، از جمله با ارائه جایگزین‌های مالی برای جنگجویان حزب...! که به بودجه ایران وابسته‌اند. عربستان، به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران، از طریق حمایت مالی و سیاسی از جریان‌های سنی و برخی گروه‌های مسیحی لبنان، مانند المستقبل و قوات لبنانی، به دنبال کاهش نفوذ حزب...! است. ریاض با تأمین مالی کنفرانس اقتصادی بین‌المللی برای بازسازی لبنان، مشوق‌های اقتصادی را برای اجرای این طرح ارائه کرده است. فرانسه، با نفوذ تاریخی در لبنان، به ویژه در میان مسیحیان مارونی، نقش میانجی را ایفا می‌کند. ژان نوتل، بارو، وزیر خارجه فرانسه، از تصمیم دولت لبنان استقبال کرده و آن را گامی برای «اعمال کامل حاکمیت» خوانده است. پاریس همچنین از طریق کمک‌های اقتصادی و دیپلماتیک، به دنبال تقویت دولت لبنان و کاهش تنش‌های داخلی است. از منظر حقوق بین‌الملل، قطعنامه‌های ۱۵۵۹ و ۱۷۰۱ شورای امنیت، خلع سلاح گروه‌های شبه نظامی مانند حزب...! را الزامی می‌کنند. این حال، حزب...! استدلال می‌کند که سلاحش برای دفاع در برابر اسرائیل مشروع است و با ماده ۵۱ منشور سازمان ملل (حق دفاع مشروع) هم‌خوانی دارد.

◀ **موضع گروه‌های سیاسی**

حزب...! به شدت با طرح خلع سلاح مخالف است و آن را «پروژه آمریکایی-اسرائیلی» می‌داند. شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب...! در سخنرانی ۱۳ شهریور ۱۴۰۴، هشدار داد که هرگونه تلاش برای خلع سلاح «به درگیری منجر خواهد شد» و سلاح حزب...! را «شراف مقاومت» خواند. غالب ابوزنوب، عضو شورای سیاسی حزب...! تأکید کرد که این گروه حق توسل به خیابان یا استعفا از دولت را برای خود محفوظ می‌داند. وزرای حزب...! از جمله تمارا الزین (وزیر محیط زیست) و یاسین جابر (وزیر دارایی)، در اعتراض به طرح، جلسه کابینه راترک کردند. حزب...! خلع سلاح را نقض میثاق ملی و تهدید برای امنیت لبنان در برابر اسرائیل می‌داند. تهدید به اعتراضات خیابانی یا استعفا نشان دهنده استراتژی حزب...! برای فشار بر دولت و حفظ قدرت سیاسی است. جنبش امل، متحد نزدیک حزب...!، با طرح خلع سلاح مخالف است. وزرای این جنبش، از جمله محمد حیدر (وزیر کار) و رکان ناصرالدین (وزیر بهداشت)، همراه با وزرای حزب...! جلسه کابینه راترک کردند. نبیه بری، رئیس پارلمان و رهبر امل، طرح «مغایر با میثاق ملی» خوانده و هشدار داده که بدون اجماع طایفه‌ای، این تصمیم می‌تواند به بحران سیاسی منجر شود. امل، به عنوان نماینده اصلی شیعیان در کنار حزب...! خلع سلاح را تهدیدی علیه جایگاه سیاسی شیعیان می‌داند. جریان المستقبل، که نماینده اصلی سنی‌ها در دولت است، از طرح خلع سلاح حمایت می‌کند. سعد حریری، اگرچه از سال ۲۰۲۲ از سیاست کناره‌گیری کرده، اما از طریق نمایندگانش در کابینه، از این طرح استقبال کرده است. ولید جنبلاط، رهبر دوری‌ها، موضعی میانه اتخاذ کرده است. او ضمن حمایت از اصل انحصار سلاح در دست دولت، خواستار اجماع طایفه‌ای شده تا از تنش‌های داخلی جلوگیری شود.

◀ **گروه‌های سیاسی خارج دولت**

قوات لبنانی، حزب اصلی مسیحیان مارونی، از طرح خلع سلاح به شدت حمایت می‌کند. قوات، که به‌طور سنتی با حزب...! دشمنی دارد، خلع سلاح را فرصتی برای تضعیف رقیب شیعه و تقویت جایگاه مسیحیان می‌بیند. حمایت جعجع از طرح، با پشتیبانی مالی و سیاسی عربستان تقویت شده است. حزب کُتائب، دیگر حزب مسیحی مارونی، از طرح خلع سلاح حمایت کرده و آن را «به نفع همه لبنانی‌ها» خوانده است. جریان آزاد ملی، حزب مسیحی نزدیک به حزب...!، با طرح خلع سلاح مخالف است. جبران باسیل رهبر این جریان که متحد سیاسی حزب...! است، نگران است که خلع سلاح به تضعیف جایگاه مسیحیان طرفدارش منجر شود. این موضع، ریشه در اتحاد استراتژیک با حزب...! و نگرانی از نفوذ خارجی دارد.